

عنوان مقاله:

فضای کالبدی به مثابه بستر رشد خلاقیت کودکان؛ رهیافت الگوهای معماری فضاهای آموزشی بر اساس رابطه بین صفات خلاقیت و ایده های معمارانه

محل انتشار:

فصلنامه رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، دوره 8، شماره 30 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 31

نویسندگان:

حمیدرضا رزمی - باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد علی آبادکتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آبادکتول، ایران.

مهتاب ارمغان - دانشکده مهارت و کارآفرینی، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

در طول نیم قرن گذشته، جامعه مدنی ایران نیازی بی سابقه به گسترش آموزش و پرورش عمومی را پدید آورده است. در نتیجه فضاهای آموزشی بسیاری در سراسر کشور بنا گردیده که در آنها استانداردهای فنی، ملاحظات محیطی و هویت معماری در نازل ترین سطح ممکن ملحوظ شده است. مهم تر از همه فضایی که در درون این فضاهای آموزشی پدید آمده فاقد هر گونه نقش سازنده و حمایت کننده در تعلیم و تربیت و خلاقیت کودکان است. با وجود اینکه برای پرورش خلاقیت، موثرترین بازه زمانی، کودکی است اغلب محیط های آموزشی فعلی کشور، تلاش ناچیزی برای پرورش آن انجام می دهند لذا در اکثر این فضاها، بدون توجه به رویکرد های محیطی خلاقانه طراحی شده اند. این مساله، بستری لازم را برای نگارش پژوهش حاضر فراهم کرده است هدف اصلی از نگارش این پژوهش، پرداختن در زمینه های روان شناسی محیط و طراحی معماری در مفاهیم خلاقیت و محیط های ساخته شده بر پرورش خلاقیت کودکان، همچنین ویژگی های محیطی موثر بر خلاقیت کودکان و تبیین مبانی و اصول طراحی محیط های آموزشی کودکان با توجه به ویژگی های بومی و فرهنگی کشور و شناخت شاخصه هایی که در طراحی محیط های یادگیری کودکان در راستای ارتقای خلاقیت نقش موثری را ایفا می کنند می باشد. در این خصوص ابتدا، عوامل موثر بر خلاقیت کودک و ویژگی های محیطی شکل دهنده این عوامل تحلیل، سپس موضوعی تحت عنوان "دوست دارید محیط آموزشتان چه شکلی باشد" به کودکان ۴ تا ۱۰ ساله داده و از آنها خواسته شد که در این خصوص نقاشی بکشند سپس با روش کدگیری، در غالب رنگ ها، نوع و فرم خطوط بکار رفته شده، کدهایی گرفته و در نهایت با توجه به این کدها و مطالعات کتابخانه ای انجام و کدهایی برای طراحی متناسب با روحیات کودک مبتنی بر پرورش خلاقیت صادر گردید. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است که از ابزار جمع آوری اطلاعات، اسنادی (کتابخانه ای) در بستر بهره گیری از مطالعات میدانی بهره برده است. با استناد به نتایج این پژوهش می توان این گونه برآورد نمود که، ایجاد فضاهای معماری دارای پیچیدگی و همچنین ارتباط با طبیعت و فضای بازدر فرآیند طراحی محیطهای یادگیری و همچنین ایجاد فضای معماری طبق سلیقه و مشارکت کودکان که حس تعلق برای آنها ایجادکند در بالا بردن سقف ذهنی کودکان و ایجاد خلاقیت و برانگیختن حس کنجکاوی آنها تاثیرگذار است.

کلمات کلیدی:

کودک، مدل خلاقیت، فضاهای آموزشی کودکان، ارتقاء خلاقیت، اصول طراحی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1553677>



